

نکته‌هایی برای مبلغان

عبدالرحمه موعس

در آیه ۱ چهار بار و در آیه آخر آن،
یعنی آیه ۲۲ پنج بار و در مجموع، ۴۰
بار در کل این سوره به کار رفته است.
اکنون با توجه به مفهوم و محتوای
این سوره و شرافت عدد «۴۰» در
فرهنگ و حیانی و ولایی، باید دقت
کرد چه سر و حکمتی در این سوره
نهفته است که لفظ جلاله «الله» بدین
صورت در این سوره به کار رفته است.

نکته دوم:

روزی یکی از پژوهشکار اشکال
جالبی را مطرح کرده و به یکی از
روحانیان گفته بود: «شما هنگامی که
روضه امام حسن مجتبی ظلله را

بس نکته با تو گوییم شاید ندیده باشی
تا دسته دسته نرگس زین باغ چیزه باشی
در دو شماره پیشین، نکته‌هایی
برای مبلغان بیان گردید. اکنون به شش
نکته دیگر اشاره می‌کنیم.
نکته اول:

سوره «مجادله» که پنجاه و
هشتین سوره قرآن است، تنها
سوره‌ای است که در هر ۲۲ آیه آن، لفظ
جلاله «الله» به کار رفته است. شایان
توجه است که لفظ جلاله «الله» در آیات
۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۲، ۹، ۵، ۳، ۲
و ۲۰ یک بار و در آیات ۸، ۷، ۴ و ۱۰ دو بار و
در آیات ۶، ۱۱، ۱۳، ۱۲ سه بار و

یعنی جگر در نظر گرفته‌اند، آن اشکال به نظر درست می‌آید، ولی اگر کبد به معنی دوم در نظر گرفته شود، اشکالی وارد نمی‌آید؛ یعنی حضرت پس از خوردن زهر، پاره‌های جگر ایشان از دهان مبارکشان به درون تشت ریخته شد، و حال آنکه کسی که زهر می‌خورد، این زهر وارد معده و دستگاه گوارش او می‌شود و با جگر انسان که آن طرف معده و بیرون از آن قرار دارد، ارتباطی ندارد. پس رانیز شامل می‌شود.

نکته سوم:

یکی از حوزویان جوان می‌گفت که روزی این پرسش برایم پیش آمد: ما علاقه‌مندان و دوستداران امام زمان پس از صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام می‌گوییم «وَعَجَلْ فَرَجَّهُمْ»، آیا حدیثی و روایتی در این زمینه از خود مقصومان علیهم السلام نقل شده است یا اینکه ماخودمان، بر اساس ذوق و علاقه شخصی مان، این عبارت و پسوند را پس از صلوات افزوده‌ایم و می‌افزاییم؟

این شخص می‌گوید چنین پرسشی در ذهنم بود تا اینکه روزی به حدیثی

۱. بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی، تصحیح محمد باقر بهبودی، ۱۱۰ جلد، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلامیه، [یسی تا]، ج ۴۴، ص ۱۵۸.
۲. همان.

می‌خوانید، می‌گویید که به حضرت زهر دادند و پس از خوردن زهر، پاره‌های جگر ایشان از دهان مبارکشان به درون تشت ریخته شد، و حال آنکه کسی که زهر می‌خورد، این زهر وارد معده و دستگاه گوارش او می‌شود و با جگر انسان که آن طرف معده و بیرون از آن قرار دارد، ارتباطی ندارد. پس شما چگونه می‌گویید که پاره‌های جگر امام حسن مجتبی علیهم السلام بیرون ریخته شد؟

شایان گفتن است هنگامی که به حضرت زهر دادند، خود حضرت فرمودند: «...قَدْ سقِيت السَّمَّ وَرَمِيت بِكَبِدِي فِي الطَّنَسِ...». ^۱ و یا فرمودند: «لَقَدْ تَنَطَّعَتْ قَطْعَةً قَطْعَةً مِنْ كَبِدِي...» ^۲

همان گونه که می‌بینید حضرت در هر دو تعبیر و عبارت می‌فرمایند: «کبد من پاره پاره گشت و پاره‌های کبد من درون تشت ریخته شد.»

گفتنی است که «کبد» در لغت عرب دارای چند معنی است و از جمله: یکی به معنی «جگر» است و دیگر به معنی «آنچه درون بدن و شکم است». معمولاً چون کبد را به معنی اول،

می‌گوید: «یکی از علماء برای من نقل کرد که در تابستان یکی از سالها همراه حضرت امام خمینی ره و چند تن دیگر از روحانیان به مشهد مقدس مشرف شدیم و یک خانه در بسته در آنجا گرفتیم. برنامه زیارت ما بدین صورت بود که بعد از ظهرها به طور دسته جمعی به حرم مطهر امام رضا ع مشرف می‌شدیم و پس از زیارت و نماز و دعا به آن خانه بر می‌گشتم و در ایوان باصفای آن می‌نشستیم و چایی می‌خوردیم. برنامه حضرت امام نیز بدین صورت بود که به اتفاق دیگران به حرم می‌رفتند، ولی دعا و زیارت‌شان را خیلی مختصر می‌کردند و تنها به خانه بسرمی‌گشتند و آن ایوان را آب و جارو می‌کردند و فرش آنجا را پهن می‌نمودند و سماور را روشن و چای را آماده می‌کردند و هنگام بازگشت ما از حرم برای ما چای می‌ریختند. آن عالم می‌گفت که یک روز من از حضرت امام پرسیدم این چه کاری است که شما می‌کنید و دعا و زیارت را

۱. بحوار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی، تصحیح محمد باقر بهبودی، ۱۱۰ جلد، چاپ سوم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹، ج ۸۶، ص ۷۷.

جالب و جاذب از امام صادق علیه السلام در کتاب شریف بحوار الانوار، اثر علامه محمد باقر مجلسی برخورد کردم که برای علاقه‌مندان به ملاقات با امام زمان علیه السلام نیز بسیار دلخوش کننده و سرور آفرین است و آن حدیث این است:

«من قَالَ يَغْدِي صَلَوةَ الْفَجْرِ وَيَغْدِي صَلَوةَ الظُّهُرِ: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»، لَمْ يَتَمَّ حَتَّى يَمْرِكَ الْقَائِمَ مِنْ أَهْلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَءَلَيْهِ»^۱

هر کس پس از نماز صبح و ظهر بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»، نمی‌میرد مگر آنکه قائم آل محمد علیهم السلام را درک می‌کند.

گفتنی است که این پسوند در احادیث و ادعیه و زیارات دیگر نیز آمده است. امیدواریم به برکت این گونه صلوthes فرستادنها به زیارت محبوب و معشوقمان، حضرت قائم علیه السلام، نسائل شویم و دلخوش و مسرور گردیم.

همه هست آرزویم که بیین از تورویی چه شود توراکه من هم برسم به آرزویی نکته چهارم:

جناب آقای «سید حمید روحانی»

«رایانه» انجام می‌دهند تا دیگران و افراد غیر مسئول نتوانند از رایانه‌شان و مطالب و برنامه‌های موجود و محفوظ در آن استفاده کنند، در نظر گرفتن یک پاسورد (password) یا همان کلمه عبور و اسم رمز برای استفاده از رایانه است که هر رایانه‌داری بر اساس ذوق و سلیقه و گرایش‌های خود، کاراکترهایی را برای این کار در نظر می‌گیرد.

یکی از علاوه‌مندان به مولا‌یمان و محبوب‌یمان، حضرت مهدی^{علیه السلام}، عدد «۷۰» را برای پاسورد رایانه خود در نظر گرفته است، چراکه این عدد طبق حروف ابجد، برابر با عبارت «یا مهدی» است.

شایسته است برای اینکه بیشتر به یاد امام زمان^{علیه السلام} باشیم، از عدد «۷۰» برای کارهای دیگری، مانند حفظ یانگارش و یا خوشنویسی ۷۰ حدیث از امام زمان^{علیه السلام} یا درباره امام زمان^{علیه السلام} نیز استفاده کنیم که: به یاد حضرت بودن، به یاد بودن حضرت را او را معانمان می‌نماید.

۱. سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی^{ره}، گردآوری و تنظیم: مصطفی وجدانی، ۶ جلد، چاپ چهارم، تهران، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۹۷ و ۹۸.

برای درست کردن چای مختصر می‌نمایید و با عجله به خانه برمی‌گردید؟ امام در پاسخ فرمودند: من ثواب این جارو کردن و درست کردن چای را کمتر از ثواب آن دعا و زیارت نمی‌دانم.^۱

از خدا می‌خواهیم که توفیق زیارت امام رضا^{علیه السلام} و خدمتگزاری به زوار آن حضرت را به ماعنایت فرماید (ان شاء الله).

نکته پنجم:

گاهی در تسویلها و مرثیه‌ها و نوحه‌های مربوط به حضرت اباالفضل العباس^{علیه السلام} گفته می‌شود: «یا أَبُو الْفَضْلِ أَذْرِكُنَا» و یاد رسانویه‌ها گفته می‌شود: «یا أَبُو فَاضِلٍ، یا أَبُو فَاضِلٍ».

قابل توجه است دو کلمه «أَبُو الفضل» و «أَبُو فاضل» از نظر دستوری مضاف و مضاف‌الیه هستند و هنگامی که کلمه «أَب» پس از حرف یاء منادا قرار می‌گیرد، باید منصوب شود و چون منصوب شدن کلمه «أَب» با آوردن حرف «أَلف» در آخر آن نشان داده می‌شود (یا)، از این رو در چنین مواردی باید گفت: «یا أَبَا الْفَضْلِ أَذْرِكُنَا» و «یا أَبَا فَاضِلٍ، یا أَبَا فَاضِلٍ».

نکته ششم:

یکی از کارهایی که گاه اهالی کوی